

## واکاوی علل و عوامل حادثه هفتم تیر

ما بار دیگر نباید اجازه دهیم استعمارگران برای ما مهره‌سازی کنند و سرنوشت مردم ما را به بازی بگیرند. تلاش کنیم کسانی را که متعهد به مکتب هستند و سرنوشت مردم را به بازی نمی‌گیرند انتخاب شوند».....



«ما بار دیگر نباید اجازه دهیم استعمارگران برای ما مهره‌سازی کنند و سرنوشت مردم ما را به بازی بگیرند. تلاش کنیم کسانی را که متعهد به مکتب هستند و سرنوشت مردم ما را به بازی نگیرند انتخاب شوند»..... ه صداء، انفجار، مصب اینها آخرین کلمات آیت الله بهشتی در جلسه حزب جمهوری اسلامی به تاریخ هفتم تیرماه 60 است که با انفجار عظیم این شخصیت ارزنده و مظلوم همراه هفتاد و چند نفر از بهترین یاران صدیق امام و انقلاب با هم به آسمان پرکشیدند. آن شب حزب جمهوری اسلامی، علاوه بر حضور اعضای شورای مرکزی خود، میزبان تنی چند از نمایندگان مجلس، چند نفر از وزرا و معاونان وزرا بود. طبق ساعت مقرر یعنی 8 و 30 دقیقه شب با تلاوت کلام الله مجید، جلسه رسماً آغاز شد و بعد نوبت رئیس حزب بود تا به عنوان سخنران اصلی آغاز سخن کند؛ در جلسه ای که با دو موضوع مهم تورم و انتخابات آینده ریاست جمهوری آنهم چند روز پس از عزل بنی صدر تشکیل شده بود.

انفجار آن قدر عظیم بود که صدای آن تا یکی دو کیلومتر در اطراف سرچشمه تهران شنیده شد. مردم محل، سراسیمه به سمت ساختمان حزب آمدند اما فقط توانستند تعداد اندکی را از زیر آوار نجات دهند و بقیه افراد به فیض عظیم شهادت نائل آمدند. فاجعه هفتم تیر، دقیقاً شش روز بعد از عزل بنی صدر از ریاست جمهوری و حدود 24 ساعت بعد از حادثه تروریستی مسجد جامع ابودر بود که در آن آیت الله خامنه ای، امام جمعه وقت تهران بشدت زخمی شده بود رخ داد. تمام نشانه ها دال بر دست داشتن منافقین در این جنایت هولناک داشت موضوعی که بعداً این سازمان مسئولیت این جنایت را بر عهده گرفت.

سه روز قبل از وقوع این حادثه، محمدجواد قدیری، عضو کادر مرکزی سازمان مجاهدین و طراح اصلی انفجار مسجد ابودر به دوستان خود با اطمینان خبر داده بود که «روز هفتم تیر» کار یکسره خواهد شد.

### عامل انفجار هفتم تیر که بود؟

بعدها در تحقیق و تفحص از این جنایت عظیم کشف شد فردی تحت عنوان محمد رضا کلاهی که دانشجوی رشته برق دانشگاه علم و صنعت بود عامل اصلی این انفجار بوده است. در سوابق کلاهی آمده بود وی با پیروزی انقلاب اسلامی به عضویت سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در می آید و همزمان از فضای نظم نیافته اول انقلاب سوءاستفاده کرده و به عضویت کمیته انقلاب در می آید. با هدایت سازمان منافقین وی توانست به داخل حزب جمهوری اسلامی راه یابد و پس از چند صباح مسئولیت دعوت برای کنفرانس ها و میزگرد ها و جلسات را بر عهده گیرد. کلاهی همزمان مسئولیت حفاظت حزب را نیز بر عهده داشت. مسئولیت های حساس وی در حزب عملاً امکان شک به وی را منتفی می کرد. کلاهی بمب را با کیف دستی خود به داخل جلسه حزب انتقال داد و دقایقی قبل از انفجار، از ساختمان حزب خارج شد. پس از انفجار نیز مدتی در منزل یکی از اعضای سازمان متبوع خود مخفی شد و نهایتاً با فرار مخفیانه از کشور به مقر منافقین در عراق به جمع یاران خود در این حلقه تروریستی ملحق شد.

### ریاست جمهوری بنی صدر و حاشیه سازی های وی

پس از تسخیر لانه جاسوسی و استعفای دولت بازرگان، شورای انقلاب موقتاً وظایف دولت را بر عهده گرفته بود. با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، بعد از رهبری، ریاست جمهور نفر دوم نظام محسوب می شد که با آرای مستقیم مردم انتخاب می شد. در 5 بهمن ابوالحسن بنی صدر توانست با چهره ای که نزد انقلابیون از خود ساخته بود به عنوان کاندیدای اصلی مطرح شود و در رقابت با افرادی چون مرحوم حسن حبیبی، داریوش فروهر، صادق طباطبایی، محمد مکرری، کاظم سامی و صادق قطب زاده، اولین رئیس جمهور تاریخ ایران لقب بگیرد.

بنی صدر که آرای 10 میلیونی مردم ایران وی را دچار غرور کاذب کرده بود سعی کرد به شیوه خاص خود کادر سازی کند و عملاً یک جبهه موازی با عناصر اصلی انقلابی را برای خود ساماندهی کند. جبهه های که با قریب به اتفاق اصول اساسی انقلاب مخالف بود. بنی صدر از یکسو با میدان دادن به سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و دیگر گروه های ضد انقلاب سبب تقویت آنها شد و از سوی دیگر در برابر اکثر مصوبات مجلس، شورای عالی قضایی، شورای نگهبان و برخی دیگر از نهادهای برخاسته از انقلاب ایستادگی کرد.

اما در این بین غائله ۱۴ اسفند خط جدایی بنی صدر و هوادارانش را از خط اصیل انقلاب بیشتر برای مردم و انقلابیون مشخص ساخت.

در این روز و در مراسمی که به مناسبت سالروز درگذشت دکتر مصدق در دانشگاه تهران برگزار شده بود، بنی صدر در سخنرانی خود، به شخصیت های انقلاب و نهادهای انقلابی توهین کرد و در راستای اهداف استکبار جهانی سخن راند که با اعتراض امت حزب الله مواجه شد. پس از آن گارد شخصی بنی صدر و منافقان مسلح طی یک برنامه از پیش تنظیم شده، به دستور بنی صدر، به مردم انقلابی حمله کرده و گروه بی شماری را زخمی و دستگیر کردند.

## عزل بنی صدر و اعلام قیام مسلحانه منافقین

علاوه بر این حاشیه سازی ها، خیانت های وی در جبهه ها نیز برای نظام نوپای اسلامی هزینه آفرین بود تا بالاخره حضرت امام در حکمی به تاریخ 20 خرداد 1360 برکناری بنی صدر از فرماندهی کل نیروهای مسلح را اعلام کردند.

با حکم امام و به دنبال اختلاف افکنی های بنی صدر و مواضع غلط و جانبدارانه وی از گروهک تروریستی منافقین، مجلس تصمیم گرفت در اقدامی انقلابی وی را از منصب ریاست جمهوری عزل کند که با رأی نمایندگان به عدم کفایت سیاسی وی در 30 خرداد این امر محقق شد.

این رویداد مبارک سبب شد مجاهدین خلق آن روز، سیاست دوگانه خود را کنار گذاشته و علناً مقابل نظام اسلامی قیام مسلحانه اعلام کند.

در شورش عصر 30 خرداد ماه که سازمان فکر می کرد می تواند کار نظام را یکسره کند با تدبیر نظام و حضور خودجوش مردم، مجاهدین خلق دچار شکست سختی شدند اما این شکست نقطه پایان آنان نبود و گروهک مدافع «اسلام ماتریالیستی» سعی کرد تمامی افرادی را که در افشای چهره نفاق آلود آنان نقش داشتند حذف کند. به این منظور طرح ترور عوامل اصلی انقلاب ریخته شد و این طرح ها یک به یک پیاده شد.

در اولین هدف حضرت آیت الله خامنه ای، نماینده امام در شورای عالی دفاع و امام جمعه وقت تهران هدف قرار گرفت که با عنایت الهی این حرکت تروریستی منجر به شهادت ایشان نشد و معظم له با کسب مقام جانبازی همچون هدیه ای الهی برای ادامه سکانداری انقلاب پس از امام باقی ماندند.

هنوز مردم نگران حال امام جمعه محبوب خود بودند که خبر انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی، ایران و جهان را تکان داد. حمله ای که در آن شهید مظلوم بهشتی و بیش از 70 یار وفادارش به فیض عظیم شهادت نائل آمدند. حرکت گروهک نفاق با این حمله نیز متوقف نگردید و طرح های آتی نیز بسیاری از ذخایر انقلاب از جمله شهیدان رجایی و باهنر، شهدای محراب و بسیاری دیگر را به شهادت رساندند تا هویت نفاق آلود خود را بیشتر در معرض دید عموم قرار دهند.

### ترور شخصیتی بهشتی قبل از ترور فیزیکی

در فضای غبارآلود سال های اول انقلاب، آن قدر فضای تهمت و افترای عوامل نفاق علیه یاران امام و انقلاب سهمگین بود که حتی بسیاری از دلسوزان نظام نیز نسبت به خادمان انقلاب دچار تردید شده بودند. شعار معروف «بهشتی بهشتی طالقانی را تو کشتی» مشتی از خروار بود که حتی مردم کوچه و بازار را نسبت به ایدئولوگ بزرگ انقلاب و موثرترین فرد در تصویب قانون اساسی مبتنی بر ولایت فقیه دچار شک و تردید ساخت. این غبار عظیم تهمت و افترا وقتی کنار رفت که مردم پیام مهم امام را درباره این شخصیت شنیدند و این که «شهید بهشتی مظلوم زیست و مظلوم مرد و خار در چشم دشمنان اسلام بود.»

امام خمینی(ره) علاوه بر پیامی که برای شهادت یاران صدیق انقلاب صادر کردند در دیدار با خانواده شهدای هفتم تیر، پرده از نفاق بنی صدر و منافقین بیشتر برداشتند.

ایشان در بخشی از سخنان مهمشان فرمودند: «من با زبان های مختلف آنها را دعوت کردم به این که رها کنند این راهی را که در پیش دارند و با ملت ایران این طور نکنند و من می خواستم که تمام این کسانی که در کار دولتمردی هستند تا آخر انقلاب و پیروزی انقلاب، همه در محل خودشان باقی باشند و این جمهوری اسلامی را همه باهم به آخر برسانند و به پیروزی مطلق. لکن دست هایی در کار بود و گرگ هایی بود در بین اینها که نگذاشتند آن مطلبی را که می خواستیم نشود، نشود. وقتی احساس شد که اینها یک نقشه شیطانی اتحاد با منافقینی که دیروز، پریروز ریختند در خیابان ها و جوان های ما را سر بریدند، مال و اموال مردم را آتش زدند و خیابان ها را به فساد کشاندند، با اینها دست در دست هم داده بودند و با گروه های منحرف دیگر دست به دست هم داده بودند برای این که این کشور را به تباهی بکشند، وقتی که احساس یک همچو خطری شد، من قبلاً هم گفته بودم که اگر من احساس خطر بکنم، آن چیزی را که به شما داده ام، پس می گیرم. همین است، کسانی که ادعای اسلام می کنند، همین است رفتار آنها که ادعای منافع مردم را می کنند، می گویند ما طرفدار خلق هستیم. من نمی دانم خلقی که اینها طرفدار هستند در کجای دنیا زندگی می کنند، این خلق در ایران است یا در آمریکاست یا در شوروی؟ من مع الاسف چون می بینم در بین اینها بسیاری شان گول خورند، جوانان پاکدلی بودند که این گرگ ها آنها را منحرف کردند و من امید این را دارم که این جوان ها برگردند، اینها به دامن ملت برگردند، به دامن اسلام برگردند، از این جهت من موعظه می کنم آنها را، موعظه می کنم پدر و مادر اینهایی که گول خورده اند، که جوانان خودشان را نگذارند برای ایده های چند نفر خائن که می خواهند در این کشور حکومت کنند و پشتیبان آنها هم آمریکاست یا شوروی، نگذارید جوانان شما تباه شوند.»

بنی صدر، یک ماه پس از عزل، هفتم مرداد 1360 با یک فروند هواپیمای بوئینگ 707 به خلبانی فردی تحت عنوان سرهنگ معزی - خلبان ویژه شاه - از کشور گریخت.

### استمرار پیروزمندانه انقلاب

اما در بررسی واقعه هفتم تیر باید گفت این حادثه از یک طرف از چهره سبوعانه گروهک نفاق که تا چند روز قبل از آن خود را حامی خلق مسلمان می نامید و از هر ترفندی برای حذف دشمنان خود بهره می گرفت پرده برداشت و باعث شد وجهه این جریان برای عامه مردم شفاف تر شود و از طرفی به مخالفان داخلی انقلاب و حامیان خارجی نظام فہماند انقلاب نوپای مردم ایران به رهبری امام خمینی(ره) ریشه دارتر از آن است که با حتی با ترور بیش از 70 مسئول بلند پایه آن دچار تزلزل شود. چرا که حتی یکروز مدیریت انقلاب دچار وقفه نشد و چند ماه بعد از آن با ساماندهی نیروهای مدافع انقلاب و رعایت بیشتر مسائل

امنیتی برای مسئولان نظام، ثبات و امنیت بیشتری بر کشور حاکم شد.

حبیب ترکاشوند